

جنگ شناختی بنی امیه علیه قیام امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی اصغر نصرتی*

حجت الاسلام والمسلمین عباس نصرتی**

اشاره

قیام امام حسین علیه السلام، انقلاب معیار و الگوی مبارزه با ظلم و طغیان و بی عدالتی است. صف بندی و مقابله با این قیام که اوج آن در روز عاشورا به شهادت سیدالشهدا علیه السلام انجامید، یک مقابله و جنگ ترکیبی همه جانبه ای است که در آن از تمامی انواع جنگ استفاده شده است. در این میان جنگ شناختی که بنی امیه از سالها پیش علیه امامت و ولایت آغاز کرده بود، از حربه های بسیار مؤثر در برابر قیام سیدالشهدا علیه السلام بود. این مقاله با پذیرش سهم تأثیر همه انواع روش های مقابله با قیام امام حسین علیه السلام، پس از بررسی مفهومی جنگ شناختی، به نمودهای جنگ شناختی مورد استفاده بنی امیه می پردازد.

مفهوم شناسی جنگ شناختی

تأثیرگذاری بر نگرش ها، باورها، عقاید، اهداف و ارزش های طرف مقابل با هدف ایجاد تغییر در مخاطبان تا سرحد همسو شدن آن ها با اهداف و منافع عمل کننده را عملیات ادراکی می نامند که با عناوین جنگ شناختی، جنگ ادراکی و جنگ روایت ها از آن یاد می شود. این نوع عملیات به جای اینکه فرد را تهییج یا یکباره و فوری وادار به عکس العمل کند، نگرش او را نسبت به مسائل اساسی تحت تأثیر قرار می دهد. در عملیات ادراکی از فنون و شگردهای مختلفی که ذهن و شناخت را تحت تأثیر قرار دهد، استفاده می شود. عملیات ادراکی در دو سطح مردم و نخبگان و

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (نویسنده مسئول).

** دانش آموخته حوزه علمیه قم.

خواص یک جامعه انجام می‌گیرد. مهم‌ترین هدف این جنگ، نخبگان و خواص جامعه هدف هستند و اگر این مرحله جنگ با موفقیت انجام شود و ذهن نخبگان جامعه هدف به اسارت دربیاید، طبیعی است که ذهن عامه مردم نیز به اسارت درمی‌آید.^۱ سلاح‌هایی که دشمن در جنگ شناختی استفاده می‌کند، عبارتند از اعتمادزدایی، ایجاد ناامیدی، القای ناکارآمدی حاکمیت، شبهه در مشروعیت حکومت و از این دست شبهاتی که با شناخت، اندیشه و قوه حسابگری افراد هدفش مرتبط، و به دنبال آن است که دستگاه محاسباتی جبهه مقابل را به هم بریزد تا دچار خطا و انحراف در ارزیابی و نتیجه‌گیری و سرانجام، ضعف و سستی شوند. یکی از ابزارهای کارآمد دشمن هجوم اطلاعاتی به ذهن توده‌های مردم است. این کار دشمن موجب می‌شود افراد نتوانند درست و غلط را بشناسند یا حداقل تشخیص درست و غلط برایشان مشکل شود. دشمن در جنگ شناختی، نامرئی است و گاه اطلاعات و تحلیل مورد نظر دشمن توسط انسان‌هایی موجه و دلسوز به مردم می‌رسد که اتفاقاً تأثیر بسزایی در انحراف دستگاه محاسباتی مردم دارد. این حرکت لزوماً از سر عناد و با اراده دشمنی نیست؛ بلکه نتیجه آن است که فرد موجه خودی، بدون فکر و اندیشه صرفاً عامل انتقال پیام و تحلیل دشمن به مردم شده است که البته در عمل، به عضوی از دستگاه دشمن بدل می‌شود. هدف حمله شناختی «استفاده از دست نامرئی» برای کنترل اراده حریف است و موجب می‌شود که حریف احساس کند «من نمی‌توانم» و «جرات ندارم» و سپس به «من نمی‌خواهم» برسد.^۲

موارد جنگ شناختی بنی‌امیه در مقابل قیام امام حسین علیه السلام

بنی‌امیه افزون بر جنگ‌های سخت با نام اسلام، علیه اسلام و جنگ‌های روانی ماهرانه و مؤثر، در طول دوره حاکمیت‌شان از معاویه تا یزید، از جنگ شناختی وسیعی استفاده کرده‌اند. برای مثال در جنگ صفین لشکر معاویه در آستانه شکست قطعی با فکر عمروعاص قرآن‌ها را بر سر نیزه بردند تا شناخت سپاهیان امیرالمؤمنین علیه السلام را نسبت به خودشان، از دشمن به صلح طلب تغییر دهند.

۱. رضا سراج، گفتگوی «جهاد تبیین» علیه «جنگ شناختی»، ۱۴۰۱/۱۱/۰۳.

<https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=51805>

۲. پایگاه مجله علوم شناختی، صفحه تازه‌های پژوهشی در علوم شناختی.

<https://icss.ac.ir/category/latest-research>

یکی از زمینه‌های بسیار مؤثری که بنی امیه توانستند بر پایه آن جنگ شناختی به ظاهر کارآمدی علیه نظام امامت و به ویژه علیه قیام عاشورا و امام حسین علیه السلام استفاده کنند، جریان منع حدیث بود؛ چرا که مردم از دسترسی به معارف اصیل و ناب اسلامی محروم شدند و به جای آن عده‌ای اجیر شده مانند ابوهریره به جعل حدیث به نفع دستگاه بنی امیه پرداختند. یکی دیگر از زمینه‌هایی که موجب کارآمدی و تأثیر جنگ شناختی بنی امیه علیه جریان امامت و عاشورا شد، ایجاد مناسباتی بود که بلافاصله بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شد و آن، ایجاد فاصله میان مردم و ائمه معصومین علیهم السلام بود که در زیارت عاشورا نیز به این مصیبت بزرگ برای بشریت اشاره شده است: «وَلَعَنَّ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا»^۱. در ادامه مهم‌ترین موارد این جنگ شناختی به اجمال بررسی می‌شود.

۱. ایجاد درک ناصواب از مصلحت و وظیفه اجتماعی

یکی از جلوه‌های جنگ شناختی، درک انسان‌ها از مصالح و وظیفه اجتماعی آن‌هاست. اگر مردم خود را از اجزای اصلی نبرد دانستند، به صورت فعال در صحنه حاضر می‌شوند و از جان و دل با دشمن مبارزه می‌کنند؛ اما اگر با تشخیص ناصواب از مصالح جامعه اسلامی یا در نتیجه میل به دنیا و اشتغالات دنیایی دشمن و جنگ را سبک شمردند، نه تنها در برابر نبرد و جهاد منفعل هستند؛ بلکه مقابله با دشمن و جهاد را در نقطه مقابل منافع مادی خود می‌بینند و درصد جلوگیری از ظهور آن خواهند بود. بسیاری از آنان که امام حسین علیه السلام را از جنگ و در افتادن با یزید پرهیز می‌دادند، نه به خاطر خیرخواهی که به واسطه درک غلط از مصلحت امت و یا عافیت طلبی و حفظ دنیا و برخورداری از شیرینی دنیای شان بود؛ چنانکه جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: «پس از آنکه حضرت حسین بن علی علیه السلام تصمیم بر خروج از مدینه گرفتند، محضر مبارکش رفتم و عرض کردم: شما فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و یکی از دو سبط آن حضرت هستید. به نظر من صلاح آن است که شما نیز همچون برادر بزرگوارتان با خلیفه صلح نمایید»^۲. تأثیر این هجمه و تغییر ادراک را حتی در بین برخی از خواص اصحاب امام حسین علیه السلام چون عبدالله جعفر، ابن عباس و محمد بن حنفیه به نحوی می‌توان مشاهده کرد؛ زیرا اینان گرچه قلباً و اعتقاداً با امام بودند، اما با خطای محاسباتی در توصیه به امام علیه السلام بر بی‌فرجام بودن قیام، نامطمئن بودن اهل کوفه در همراهی، مصلحت نبودن همراهی زنان و فرزندان از اهل بیت

۱. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۷۶.

۲. سید محمد جواد ذهنی تهرانی، مقتل الحسین علیه السلام از مدینه تا مدینه، ص ۷۵.

امام علیه السلام و نهایتاً سفر به منطقه‌ای دور از دسترسی بنی‌امیه مانند یمن تأکید و سفارش داشتند.

۲. شبیه در مفهوم اهل بیت علیهم السلام

اگرچه قیام امام حسین علیه السلام و حادثه عاشورا عملاً از سال ۶۰ هجری از مدینه آغاز شده است، اما تهاجم به این قیام که نقش محوری در جریان هدایت بشر و تداوم رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و استمرار ولایت ائمه طاهرین علیهم السلام و ظهور دولت موعود دارد؛ از دهه‌ها قبل و حتی پس از رحلت پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله آغاز شد. از جمله هجمه‌ها می‌توان به مصادیق اهل بیت علیهم السلام اشاره کرد که طبق آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱ به روایت شیعه و سنی، رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهم السلام مصادیق اهل بیت علیهم السلام هستند؛^۲ چنانکه از ام‌سلمه و عایشه اختصاص اهل بیت به پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهم السلام نقل شده است. ام‌سلمه می‌گوید: «این آیه در منزل من نازل شد، در حالی که در خانه هفت نفر بودند: جبرئیل، میکائیل، رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهم السلام و من جلوی در ایستاده بودم. پرسیدم: یا رسول‌الله! آیا من از اهل بیت نیستم؟ فرمود: تو بر خیر هستی و تو تنها از همسران پیامبری».^۳ در صحیح مسلم نیز از عایشه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله با پوششی از موی سیاه خارج شد و حسن بن علی، حسین بن علی، فاطمه و علی را زیر آن پوشش داخل کرد و آیه تطهیر نازل شد.^۴ با این حال عکرمه^۵ در اختصاص اهل بیت به پنج تن آل‌عبا شبیه می‌کند و نزول آن را ناظر به همسران پیامبر می‌داند.

۱. احزاب: ۳۳.

۲. در برخی روایات نیز همه امامان شیعه علیهم السلام، مصادیق اهل بیت معرفی شده‌اند. از جمله در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: «اهل بیت علیهم السلام شما چه کسانی هستند؟». پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داد: «علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، دو فرزندم حسن و حسین علیهم السلام و نه امام دیگر از نسل حسین علیه السلام». علی بن محمد خزازی رازی، کفایة الاثر فی نص علی الأئمة الاثنی عشر، ص ۱۷۱.

۳. عبدالرحمن بی‌ابی بکر سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، ج ۶، ص ۶۰۴.

۴. مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰.

۵. عکرمه از کسانی است که از عایشه روایت نقل می‌کند و در واقع نظرات عایشه را در قالب روایت مطرح می‌کند. (مقریزی، امتاع الاسماء، ج ۱۳، ص ۶۵).

عکرمه در شهر و بازار می گشت و فریاد می زد: «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله همسران او هستند»^۱.

۳. حذف نام و دین پیامبر صلی الله علیه و آله

عالی ترین هدف جنگ شناختی بنی امیه، مقابله با اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و خداپرستی بود که این هدف گاهی از ضمیر به زبان و کردارشان ظاهر شده است. «مطرف» فرزند «مغیره بن شعبه» (یار مورد اعتماد معاویه) می گوید:

پدرم شبی از نزد معاویه برگشت، ولی بسیار اندوهگین بود؛ به گونه ای که از خوردن شام خودداری کرد. من تصور کردم مشکلی درباره خانواده ما پیدا شده است. پرسیدم: «چرا امشب این همه ناراحتی؟». گفت: «من امشب از نزد خبیث ترین مردم بر می گردم». گفتم: «چه شده است؟». گفت: «برای اینکه با معاویه خلوت کرده بودم و به او گفتم به خویشاوندانت از بنی هاشم نیکی کن و صلح رحم به جای آور. آنان امروز خطری برای تو ندارند. ناگهان او منقلب و عصبانی شد و گفت: ابوبکر، عمر و عثمان به خلافت رسیدند و کارهای زیادی انجام دادند، ولی هنگامی که از دنیا رفتند؛ نامشان از میان رفت، ولی اخا بنی هاشم (اشاره به رسول اکرم صلی الله علیه و آله) هر روز پنج مرتبه نام او را بر ماذنه ها فریاد می زنند. با این حال چه عمل و نامی از ما باقی می ماند، ای بی مادر». سپس گفت: «وَ اللَّهُ إِلَّا دَفْنَا دَفْنَا»^۲ به خدا سوگند! چاره ای نیست جز اینکه این نام را برای همیشه دفن کنم».

همچنین در روایات آمده است که یزید هنگام ورود کاروان اسرای کربلا به شهر شام، این اشعار را زمزمه می کرد: «لَعَبَثٌ هَاشِمٌ بِالْمَلِكِ فَلَا حَبْرٌ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ»^۳ فرزندان هاشم (رسول خدا صلی الله علیه و آله) با سلطنت بازی کردند و در واقع نه خبری (از سوی خدا) آمده بود و نه وحی نازل شده است» و در حالی که بر لب و دندان ابی عبدالله الحسین علیه السلام می نواخت، می گفت: «يَوْمٌ بِيَوْمٍ بَدْرٌ؛^۴ امروز در برابر روز بدر».

۴. القای قدرت طلب بودن امام حسین علیه السلام

بنی امیه این تفکر را در جامعه ایجاد کرد که امام حسین علیه السلام برای به دست آوردن قدرت قیام کرده

۱. عبدالرحمن بی ابی بکر سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، ج ۵، ص ۱۹۸.

۲. محمد بن جریر طبری آملی، المسترشد فی امامة علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۶۸۰.

۳. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۶۶.

۴. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۱۶۵.

و این حرکت صرفاً یک حرکت سیاسی بوده است، در حالی که این سخن، مغالطه آشکاری بود و با اندک تأملی می‌توان فرق بین برپایی حکومت اسلامی و حکومت غیردینی را فهمید. مبانی حکومت اسلام بر پایه واجب شرعی و تکلیف الهی بنا شده است و هدفی جز برپایی دین و اجرای عدالت ندارد، ولی این فهم اشتباه در جامعه در دیدگاه جامعه عصر امام حسین علیه السلام توسط ایادی و دستگاه رسانه‌ای بنی‌امیه ایجاد شد و حضرت را یک رقیب سیاسی در تصاحب قدرت برای بنی‌امیه می‌دیدند، نه امام و سرپرستی که به دنبال اقامه دین و اجرای دستورات رسول‌الله صلی الله علیه و آله به پا خاسته است.^۱

۵. ایجاد خفقان علمی

به دستور معاویه علمای بزرگ اسلام از تفسیر قرآن و بیان حقایق دین منع شدند. در یک مورد طبق نقل بلاذری و طبری، معاویه شخصی همچون ابن‌عباس را که از معروف‌ترین علمای اسلام بود، از تفسیر و بیان احکام و حقایق قرآن منع کرد و بحث و تفسیر و نقل حدیث و بیان احکام تحت نظر حکومت قرار گرفت.^۲

۶. ترویج جبرگرایی و نشر افکار مرجئه

بنی‌امیه همان‌گونه که با نفاق و قدرت‌طلبی بر اریکه سلطنت تکیه زدند، برای توجیه چرایی ربودن حق حاکمیت و خلافت بر جامعه اسلامی به انواع تحریف‌ها و عقاید باطل تمسک جستند؛ برای مثال به ترویج و حتی - به روایتی - به تأسیس مرجئه روی آوردند. نقل است که معاویه می‌گفت: «عمل و کوشش هیچ نفعی ندارد؛ چون همه کارها به دست خداوند است».^۳ این سخن معاویه و استفاده از این اعتقاد برای تحمیل خلافت خود بر مردم بود؛ چنانکه از او نقل شده است که می‌گفت: «هَذِهِ الْخِلَافَةُ أَهْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ قَضَاءٌ مِنَ قَضَاءِ اللَّهِ».^۴ وی همچنین در برابر مخالفت عایشه با زمامداری یزید در سال ۵۶ هجری در مدینه، به وی گفت: «إِنَّ أَهْرَ يَزِيدَ قَضَاءٌ مِنَ الْقَضَاءِ، وَ لَيْسَ لِلْعِبَادِ الْخَيْرَةُ مِنْ أَهْرِهِمْ؛ ماجرای زمامداری یزید، قضای حتمی است

۱. لطف الله صافی گلپایگانی، پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام، ص ۳۴۸.

۲. ر. ک: بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۳۵؛ طبری، تاریخ، ج ۴، ص ۲۶۶.

۳. رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۴۱۰.

۴. محمد بن مکرم ابن‌منظور، مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، ج ۹، ص ۸۹.

که بندگان در این ارتباط از خود اختیاری - در مخالفت - ندارند^۱، در واقع ترویج این دست از عقاید برای جلوگیری از اعتراض و قیام مردم بود؛ بدین معنا که آنچه امروز اتفاق می افتد، خواست خدا و مقاومت در برابر قضا و قدر الهی بی فایده است. معاویه با این ترفند، بذر سستی و بی اثر بودن تلاش های معترضان را در جامعه منتشر می کرد و آن ها را وادار به پذیرش کارهای خلاف خویش می نمود.^۲

۷. اعلام عید بودن عاشورا

«وَهَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زَيْدٍ وَآلُ مَرْوَانَ يَقْتُلُهُمُ الْهُسَيْنَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ». ^۳ عید بودن این روز، فریبی اموی است که مستضعفین فکری اهل سنت آن را باور کردند و در این روز با عنوان عید روزه می گیرند. برخی عالمان اهل سنت همچون ابن جوزی^۴ و مناوی^۵، از این عمل با تعابیر «بدعت»، «اعمالی از سر عداوت با اهل بیت علیهم السلام»، «نشانه های بغض با اهل بیت علیهم السلام» و «واجب الترتک» یاد کرده اند.

۸. تحریف مفهوم خروج بر امام علیه السلام

بنی امیه نسبت به قیام امام حسین علیه السلام هجمه ادراکی بسیاری به راه انداختند و خود و ایادی شان قیام امام حسین علیه السلام را که قیام علیه حاکم جائر و دستگاه فاسد و شیطانی یزید بود، به عنوان خروج و قیام علیه حاکم اسلامی ترویج نمودند. این، یکی دیگر از مصادیق جنگ شناختی است. در تعریف خارجی و خوارج گفته اند: «خارجی در اصطلاح عام به معنای سرکشی و شورش علیه امام مورد پذیرش مسلمانان است»^۶ و از منظر شرع «خوارج به لحاظ شورش علیه امام علیه السلام و نقض بیعت، باغی به شمار آمده و محکوم به احکام بغی اند»^۷. امام حسین علیه السلام فلسفه قیام خود را این گونه مطرح کرده است: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَنْتَاهِي

۱. احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۰.

۲. مهدی رستم نژاد و سعید داودی، عاشورا: ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، ص ۱۷۸.

۳. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعبد، ج ۲، ص ۷۷۵.

۴. جمال الدین عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، الموضوعات، ج ۲، ص ۱۹۹.

۵. زین الدین محمد المناوی، فیض الغدیر شرح جامع الصغیر، ج ۶، ص ۲۳۵.

۶. محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۱.

۷. احمد بن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱، ص ۲۰۴.

عنه؛^۱ آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌شود؟».

در مقابل نظریه شیعه، نظریه دیگری وجود دارد که در دوران بنی‌امیه ظهور کرد و تا دوران بنی‌عباس ادامه داشت. مطابق این نظریه، اطاعت از حاکمان ظالم و پیروی از آنان مطلقاً واجب است؛ هرچند ظالم باشند، در بیت‌المال اسراف کنند، از حدود الهی تجاوز نمایند، به صورت علنی شراب بخورند و اعمال حرام را آشکارا مرتکب شوند یا انسان‌های بی‌گناه را به قتل برسانند. مطابق این نظریه، خروج علیه خلفا و جنگ با آنان حرام است؛ حتی اگر فاسق و ستمگر باشند.^۲ آیا به راستی این نظریه با آیات نورانی قرآن کریم که امر به معروف و نهی از منکر را از واجبات اسلام می‌داند، سازگار است؟

نتیجه‌گیری

بنی‌امیه در مقابل قیام امام حسین علیه‌السلام و در یک جنگ ترکیبی گسترده، توانست جنگ شناختی را در ابعاد و سطوح مختلف سامان دهد، مردمان شام، خواص و رجال نامی حجاز از جمله برخی اطرافیان امام حسین علیه‌السلام و اهل کوفه را تحت تأثیر قرار دهند و در نتیجه موفق به شهادت امام حسین علیه‌السلام و یاورانش و اسارت اهل بیت آن حضرت شود. همان‌گونه که قیام امام حسین علیه‌السلام الگو و اسوه مبارزه با ظلم و کفر و طغیان حاکمان جور است، شیوه جنگ شناختی بنی‌امیه علیه این قیام و نحوه خنثی‌سازی و مقابله آن از طرف امام حسین علیه‌السلام، کاروان اسیران به سرپرستی امام سجاد علیه‌السلام و شهادت‌ها و روشنگری‌های حضرت زینب کبری علیه‌السلام و حضرت ام‌کلثوم علیه‌السلام و ام‌البنین و مظلومیت‌هایی که فریاد بلند آن تا عمق تاریخ طنین انداخته است؛ می‌تواند راهگشای همه نهضت‌های بشری علیه ظلم و بی‌عدالتی قرار گیرد و به‌ویژه انقلاب اسلامی را که اساس و مبنای آن برگرفته از قیام حسینی است، در جنگ نابرابر با مستکبرین عالم به پیروزی نهایی برساند. مقابله مناسب با جنگ شناختی بنی‌امیه، نهضت امام حسین علیه‌السلام را به هدف‌های راهبردی و تاریخی خود رساند و ضمن به نابودی کشاندن بنی‌امیه به ننگ و بدنامی برای همیشه در تاریخ، اسلام و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را برای هدایت تاریخی بشر ماندگار کرد.

۱. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵.

۲. محیی‌الدین یحیی بن شرف‌النووی، شرح صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۲۹.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن جوزی، جمال‌الدین عبدالرحمن بن علی، الموضوعات، تحقیق عبدالرحمن محمد عثمان، چاپ اول، مدینه: مؤسسه محمد عبدالمحسن، ۱۹۶۶م.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم: انتشارات آل علی، ۱۳۸۲ش.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، تصحیح محمدحسین آشتیانی و هاشم رسولی، قم: نشر علامه، ۱۲۷۹ق.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تصحیح عبدالحسین امینی، چاپ اول، نجف اشرف: دار المرتضویه، ۱۳۵۶ش.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، الطبعة الاولى، دمشق: دار الفكر للطباعة و التوزیع و النشر، ۱۴۰۲ق.
۶. البلاذری أحمد بن یحیی بن جابر بن داود، جمل من أنساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار وریاض الزرکلی، الناشر: دار الفكر - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م.
۷. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام تا سال چهلم هجری، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۶ش.
۸. خزازی رازی، علی بن محمد، کفایة الاثر فی نص علی الائمة الاثنی عشر، تصحیح عبدالحسین حسینی کوهکمری، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
۹. رستم‌نژاد، مهدی و سعید داودی، عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، زیر نظر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۷ش.
۱۰. ذهنی تهرانی، سید محمدجواد، مقتل الحسین علیه السلام از مدینه تا مدینه، تهران: پیام حق، ۱۳۸۹ش.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن بی ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، بیروت: نشر دار الفكر، ۱۴۱۴ق.
۱۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق احمد فهیمی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.

۱۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، قم: ۱۳۹۵.
۱۴. صدوق، محمد بن علی، الامالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۵. طبری آملی، محمد بن جریر، المسترشد فی امامة علی بن ابی طالب علیه السلام، تصحیح احمد محمودی، چاپ اول، قم: کوشانپور، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، مصباح‌المتهدج و سلاح‌المتعبد، چاپ اول، بیروت: مؤسسة فقه‌الشیعه، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. القشیری النیشابوری، مسلم بن حجاج، الصحیح، ارومیه: مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل، ۱۳۹۳ ش.
۱۸. المناوی، زین‌الدین محمد، فیض‌القدير شرح‌الجامع‌الصغیر، چاپ اول، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۵۶ ق.
۱۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند‌الشیعة فی احکام‌الشریعة، قم: مؤسسة آل‌البيت علیهم السلام، بی‌تا.
۲۰. نظری منفرد، علی، قصه کربلا، قم: نشر سرور، ۱۳۸۸ ش.
۲۱. النووی، محیی‌الدین یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۲ ق.
۲۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ‌الیعقوبی، بیروت: دار صادر، بی‌تا.

پایگاه‌های اینترنتی

۱. پایگاه مجله علوم شناختی، صفحه تازه‌های پژوهشی در علوم شناختی.
۲. رضا سراج، «جهاد تبیین» علیه «جنگ شناختی»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۱۱/۰۳.